

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی  
رساله دکتری (Ph.D) فقه و معارف اسلامی  
گرایش: تفسیر قرآن

## رابطه فقه و اخلاق از دیدگاه قرآن کریم

استاد راهنما:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید احمد فقیهی

استاد مشاور:

حجت الاسلام والمسلمین سید مرتضی تقوی

طلبه:

سید رضا فقیهی

بهمن ماه ۱۳۹۴

مسئولیت مطالب مندرج در این رساله بر عهده نویسنده است.

هرگونه استفاده از این رساله با ذکر منابع بلاشکال و نشر آن در داخل کشور منوط

به اخذ مجوز از جامعه المصطفی العالمية است.

تقدیم:

به پیشگاه مقدس حضرت صاحب الامر (که خداوند ظهورش را نزدیک فرماید)

و به روح ملکوتی حضرت فاطمه معصومه (س) که بر سر سفره پربرکت او نشسته ایم

و به امام خمینی (ره) که سر تپای وجودش معرفت و عشق به خدا و قیامش برای خدا بود و بیاداری

مولایش امام زمان، ملت ما را از ذلت و خواری نجات بخشید

و به نیامب بر حقیقتش امام حامدای (ادام الله ظله) که علمدار لشکر عاشورائیان است و در سخت ترین

شرایط نگذاشت این علم سرنگون شود و همواره به پیش می رود تا در اوج اقتدار، علم را به صاحبش برساند

شکر و تقدیر:

بعد از شکر خداوند بر خود لازم می‌بینم که از واسطه‌های فیض الهی شکر نمایم  
به ویژه از اساتید محترم و مسئولین جامعه المصطفی العالمیه که زمینه این توفیق را فراهم نمودند  
و خصوصاً از اساتید محترم و دلسوزان ما حجه الاسلام والمسلمین دکتر سید احمد فقیهی (دامت برکاته)  
و استاد مشاور: حجه الاسلام والمسلمین سید مرتضی تقوی (دامت برکاته)

## چکیده:

احکام فقهی، دستورالعمل‌های رفتاری یک مسلمان است که معمولاً به چند دسته تقسیم می‌شود (عبادات، معاملات، اجتماعیات و حکومتات)

اخلاق ویژگی‌های پایدار در نفس است که موجب می‌شوند کارهایی متناسب با آن ویژگی‌ها، بی‌درنگ و بدون نیاز به تأمل و تفکر از انسان صادر شود و تزکیه و تربیت اخلاقی معنای جامعی دارد که عبارت است از: شکوفایی استعدادها، بالندگی و رشد و کمال یافتن و آراسته شدن انسان به ویژگی‌های متعالی پایدار و ثابت روحی و اخلاقی

درمورد رابطه احکام فقهی و اخلاقی دیدگاه‌هایی گوناگونی هست

پس از بررسی و نقد دیدگاه‌ها، با روش توصیفی تحلیلی، از چندراه ثابت می‌شود که رابطه آنها عموم و خصوص من وجه است و درموارد افتراق تعامل و تاثیر متقابل دارند اول از بررسی رتبه بندی آیات متعدد قرآن که هدف‌های بعثت و دین را معرفی کرده است و دوم از آیات الاحکام که احکام شرعی را بیان نموده و همراه با آنها ثمره و نتیجه آنها را تزکیه و تطهیر اخلاق انسان معرفی نموده‌اند و سوم از بحث تجسم اعمال که در قرآن مورد تأکید قرار گرفته است

و نتیجه آنکه رابطه احکام فقهی و اخلاقی عموم و خصوص من وجه است و درموارد افتراق تباین و تعامل دارند و تعامل آنها متقابل است؛ ولی احکام فقهی به‌ویژه عبادات، راه‌کارهای عملی، و زمینه‌ساز تزکیه و تربیت اخلاقی است. و درنهایت تعامل و تاثیر متقابل احکام فقهی و اخلاقی و اهمیت ویژه اخلاق مورد تأیید و تاکید قرار گرفته است.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن، فقه، احکام شرعی؛ احکام اخلاقی؛ تزکیه

## فهرست مطالب

۱	بخش اول: کلیات
۲	مقدمه:
۳	۱-۱. بیان مسئله
۴	۱-۲. سوالات تحقیق
۵	۱-۳. تبیین قلمرو بحث
۵	۱-۴. پیشینه
۱۷	۱-۵. اهمیت و ضرورت
۲۰	۱-۶. فرضیه:
۲۱	۱-۷. روش پژوهش
۲۱	۱-۸. مفهوم شناسی
۲۱	۱-۸-۱. فقه در لغت
۲۲	«فقه» در اصطلاح
۲۵	۱-۸-۲. اخلاق در لغت:
۲۶	اخلاق در اصطلاح
۳۳	۱-۸-۳. تزکیه در لغت
۳۶	بخش دوم: دیدگاه‌های نظری
۳۹	فصل اول: دیدگاه (تباین) وبی نیازی اخلاق از فقه

فصل دوم: دیدگاه (تباین) بی طرفی و بی نیازی فقه از اخلاق.....	۴۸
فصل سوم: دیدگاه برگزیده: رابطه عموم و خصوص من وجه.....	۵۸
استنادهای قرآنی.....	۵۸
۲-۳-۱. اول: آیات الاحکام:.....	۵۸
نگاه کلی واجمالی:.....	۵۹
۲-۳-۲. اهداف پیامبران.....	۸۶
جمع بندی و نتیجه گیری:.....	۹۲

### بخش سوم: رابطه عبادات و اخلاق فردی ..... ۱۰۱

فصل اول: عبادات و اخلاق فردی.....	۱۰۲
آیه اول: نماز و رفع حرص.....	۱۰۲
آیه دوم: آیات روزه:.....	۱۰۴
مفهوم تقوا در قرآن.....	۱۰۵
آیه سوم: ماه مبارک رمضان:.....	۱۰۷
آیه چهارم: نماز و رضای قلبی:.....	۱۰۹
آیه پنجم: تسبیح و ترس از روز جزا.....	۱۱۰
معنای ذکر:.....	۱۱۱
آیه ششم: لباس و تقوا:.....	۱۱۸
آیه هفتم: تقوا ملاک برتری.....	۱۱۹
فصل دوم: عبادات و اخلاق اجتماعی.....	۱۲۱
آیه هشتم ونهم: آیه زکات.....	۱۲۱
آیه دهم: زکات و رضایت.....	۱۲۳
آیه یازدهم: زکات.....	۱۲۵
آیه دوازدهم: شراب و کینه توزی.....	۱۲۵



- آیه سیزدهم: آیات حج و قربانی..... ۱۲۸
- آیه چهاردهم: مناسک و تسلیم و اخبات..... ۱۳۰
- آیه پانزدهم: قربانی و صفت شکر..... ۱۳۲
- آیه شانزدهم: قربانی و تقوای قلبی..... ۱۳۳
- آیه هفدهم: مواقف حج و یاد خدا..... ۱۳۴
- آیه هیجدهم: یاد خدا در روزهای معین..... ۱۳۶
- آیه نوزدهم: نماز جمعه و یاد خدا..... ۱۳۶
- آیه بیستم: عوامل بازدارنده از یاد خدا..... ۱۳۷
- آیه بیست و یکم: کعبه و امنیت..... ۱۳۷
- آیه بیست و دوم: تبعیت از رسول الله و تقوا..... ۱۳۹
- آیه بیست و سوم: جهاد و صبر در مبارزه..... ۱۳۹
- معنای صبر:..... ۱۴۵
- آیه بیست و چهارم: کشتن فرزند به خاطر ترس..... ۱۵۲
- آیه بیست و پنجم: ترس از فقر و قتل فرزند..... ۱۵۸
- فصل سوم: عبادات و اخلاق الهی..... ۱۶۰
- آیه بیست و ششم: آیه نماز..... ۱۶۰
- آیه بیست و هفتم: نماز و ملکه بازدارندگی از فحشاء..... ۱۶۱
- آیه بیست و هشتم: وضو و غسل و طهارت معنوی..... ۱۶۳
- آیه بیست و نهم: نیکی و تقوا..... ۱۶۵
- آیه سی ام: نماز باکسالت..... ۱۶۶
- آیه سی و یکم: جهاد و صبر..... ۱۶۸
- آیه سی و دوم: نترسیدن، صفت دوستان خدا..... ۱۶۹
- آیه سی و سوم: چشم پوشی از گناه و تزکیه..... ۱۷۴
- آیه سی و چهارم: روابط خانوادگی و اصول اخلاقی..... ۱۷۵

بخش چهارم: بررسی رابطه معاملات و اخلاق	۱۷۸
فصل اول: معاملات و اخلاق فردی	۱۷۹
آیه سی و پنجم: رابطه با همسر و تقوا	۱۷۹
آیه سی و پنجم: رابطه با همسر و توبه و پاکی	۱۸۰
آیه سی و هشتم: رابطه با همسر و تقوا	۱۸۱
آیه سی و هفتم: طلاق و تزکیه	۱۸۳
فصل دوم: معاملات و اخلاق اجتماعی	۱۸۵
آیه سی و هشتم: رابطه با همسر و بخل	۱۸۵
آیه سی و نهم: ایثار و بخل	۱۸۶
آیه چهلیم: انفاق و بخل	۱۸۶
فصل سوم: معاملات و اخلاق الهی	۱۸۸
آیه چهل و یکم: طلاق و چهار دستور اخلاقی	۱۸۸
آیه چهل و دوم: آیات طلاق و تقوا	۱۹۰
آیه چهل و سوم: دین و عدالت	۱۹۵
آیه چهل و چهارم: ازدواج و عدالت	۱۹۷
بخش پنجم: رابطه اجتماعیات و اخلاق	۱۹۹
فصل اول: اجتماعیات و اخلاق فردی	۲۰۰
آیه چهل و پنجم: جهاد و قوت قلب	۲۰۰
سخنی پیرامون: لِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ	۲۰۲
آیه چهل و هشتم: جهاد و دنیا طلبی	۲۰۴
آیه چهل و هفتم:	۲۰۵
زهد " در لغت:	۲۱۰
فصل دوم: اجتماعیات و اخلاق اجتماعی	۲۱۴

آیه چهل و هشتم: قصاص و عفو و احسان.....	۲۱۴
آیه چهل و نهم: غیبت و تقوا.....	۲۱۵
آیه پنجاهم: عدل اخلاقی در احکام شرعی:.....	۲۱۶
معنای عدالت:.....	۲۱۷
فصل سوم: اجتماعیات و اخلاق الهی.....	۲۲۵
آیه پنجاه و یکم: صبر و تقوا.....	۲۲۵
<b>بخش ششم: بررسی رابطه حکومتیات و اخلاق.....</b>	<b>۲۲۷</b>
فصل اول: حکومتیات و اخلاق فردی.....	۲۲۸
آیه پنجاه و دوم: جهاد و امید به خدا.....	۲۲۸
آیه پنجاه و سوم: صفت ترس و جهاد.....	۲۲۹
فصل دوم: حکومتیات و اخلاق اجتماعی.....	۲۳۲
آیه پنجاه و چهارم: جهاد و صبر.....	۲۳۲
فصل سوم: حکومتیات و اخلاق الهی.....	۲۳۴
آیه پنجاه و پنجم: رجوع به ولایت و تسلیم قلبی.....	۲۳۴
آیه پنجاه و ششم: نفاق و موعظه اخلاقی.....	۲۳۵
آیه پنجاه و هفتم: جهاد و هدایت.....	۲۳۶
آیه پنجاه و هشتم: تجسم اعمال:.....	۲۳۸
خاتمه: جمع بندی و بیان نظریه مختار.....	۲۴۲
پیشنهادها:.....	۲۴۳
منابع و مأخذ:.....	۲۴۵
فارسی.....	۲۴۵
عربی.....	۲۴۹
ضمائم : معیار فعل اخلاقی.....	أ

## بخش اول: کلیات

## مقدمه:

۱. انسان موجودی دارای آزادی و اختیار و زیست اجتماعی<sup>۱</sup> است و به گونه‌ای آفریده شده که ذاتاً استخدامگر است.<sup>۲</sup> یعنی تلاش می‌کند دیگران را به خدمت خود بگیرد و براین اساس امکان سوءاستفاده از آزادی خود و تجاوز به حریم دیگران وجود دارد، بنابراین برای کنترل او نیاز به قانون هست. نیاز بشر به قانون و مقررات اجتماعی برای تنظیم امور اجتماعی، امری مسلم، روشن و در حد بدیهی است و نیاز به برهان پیچیده ندارد.<sup>۳</sup>

۲. روشن است که قانون‌گذاران غیردینی چون از مراحل زندگی پس از مرگ اطلاعی ندارند لذا بیشتر قوانین بشری با بعد مادی و دنیائی انسان‌ها تنظیم شده و هدف اصلی خود را نیز ایجاد نظم و امنیت در جامعه قرار می‌دهد و با مسائل اخروی کار ندارند و حتی روح و روان را نیز چون غیرمادی است و شناخت کاملی از آن‌ها ندارند، چندان مورد توجه قرار نمی‌دهند

۳. بر اساس یک تقسیم‌بندی، می‌توانیم قوانین اسلامی را به دودسته تقسیم‌بندی کنیم دسته اول قوانینی که به ویژگی‌های پایدار (صفات) روح و روان انسان مربوط می‌شود و برای تزکیه و تربیت روح و روان انسان است. بیشتر مطالب و موضوع‌های اخلاقی از این دسته‌اند و دسته دوم قوانینی که به غیر آن‌ها مربوط است و به عنوان قوانین یا اعمال جوارحی گفته شده است که بیشتر احکام و قوانین فقهی از این دسته است و این‌ها نیز به دودسته می‌شوند دسته اول قوانین مربوط به ارتباطات انسان‌ها در جامعه و دسته دوم قوانین مربوط به فرد و زندگی شخصی که ربطی به

---

۱. رک. سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص: ۱۱۷، ج ۱۶، ص ۹۷ إن الإنسان مدنی بالطبع،

۲. همان، فهذا الحكم أعنی حکمه بالاجتماع المدنی و العدل الاجتماعی إنما هو حکم دعا إليه الاضطرار و لو لا الاضطرار المذكور لم یقض به الإنسان أبداً

۳. همان، ج ۲، ص: ۱۱۹؛ ص: ۱۳۴؛ ص: ۱۲۵

دیگران ندارد؛ به عبارت دیگر اخلاق درباره صفات درونی انسان بحث می‌کند، در حالی که بحث فقه پیرامون افعال بیرونی انسان است. صفات درونی انسان مانند شجاعت، بخل، حسد و... و افعال بیرونی او مانند نماز، روزه، زکات، جهاد و...<sup>۱</sup>

۴. پیش فرض ما که در جای خود ثابت شده<sup>۲</sup> این است که برخلاف قوانین بشری، قوانین قرآن یک مجموعه و منظومه بهم پیوسته و جامع است که همه جوانب زندگی را در بر می‌گیرد که علاوه بر نظم و امنیت ظاهری اجتماعی، به امنیت روانی، روحی، تربیت و رشد درونی و سعادت و کمال انسان در دنیا و آخرت نیز توجه کامل نموده است. حتی نظم اجتماعی نیز مقدمه سعادت ابدی اخروی است. خلاصه اسلام تأمین‌کننده امنیت و سعادت فرد و خانواده و جامعه است هم خوشبختی دنیوی و هم سعادت اخروی انسان‌ها را در نظر دارد.

### ۱-۱. بیان مسئله

بر اساس یک تقسیم‌بندی می‌توانیم معارف دین را به سه دسته تقسیم کنیم:

۱. اعتقادات که مسائل نظری و باورها است و به عنوان اصول دین و جهان بینی دینی معرفی می‌شوند.

۲. اخلاقیات که مطالب مربوط به اخلاق، روحيات و ملکات انسانی و فضائل و رذایل و تزکیه نفس است و... که در علم اخلاق بحث می‌شود.

۳. احکام و دستورالعمل‌های رفتاری و عملی شرعی که انسان انجام می‌دهد و به احکام پنج‌گانه (وجوب، حرمت، استحباب، مکروه و مباح) متصف می‌شوند و در فقه مورد بحث واقع می‌شود.

در جای خود بررسی شده و روشن است که همه رفتارهای انسان بر اساس باورها و جهان بینی او انجام می‌شود یعنی اعتقادات به مثابه ریشه درخت دین است.<sup>۳</sup> لکن بین احکام اخلاقی و احکام فقهی چه رابطه‌ای هست؟

۱. جعفر سبحانی، به نقل: محمد هدایتی، مناسبات فقه و اخلاق ص ۶۱؛ و پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله سبحانی (<http://tohid.ir/fa/persian/articleView?articleId=4438>)

۲. مرتضی مطهری، آشنایی با قرآن، ج ۱ ص ۲۱

۳. رک: محمدتقی مصباح یزدی، «دین و اخلاق»، قبسات، ش ۱۳، ص ۳۲

پیش فرض عنوان و سوال اصلی رساله این است که احکام اخلاقی و فقهی دوجیز هستند و با هم رابطه دارند ولی نوع رابطه مورد بحث است این رابطه به چند صورت می تواند تصویر و مطرح گردد:

۱. تساوی: صورتی که رابطه احکام فقهی و اخلاقی همیشه تساوی باشد
۲. تباین: در این صورت رابطه بین حکم فقهی و اخلاقی به سه گونه می تواند باشد
  - الف. رابطه «بی طرف» باشد
  - ب. رابطه «تعامل» باشد
  - ج. رابطه «تقابل» باشد این صورت هم ممکن است رابطه به صورت تناقض و یا تضاد تصور شود

۳. تداخل: صورتی که رابطه احکام فقهی و اخلاقی «تداخل» باشد در این صورت هم می تواند به صورت عموم و خصوص من وجه و یا عموم و خصوص مطلق باشد اگر عموم و خصوص مطلق تصور شود می تواند فقه به صورت عام و اخلاق خاص باشد و یا بر عکس اخلاق عام و فقه خاص تصور شود.

**منظور این رساله:** بررسی رابطه احکام فقهی با اخلاقی (تربیت، تزکیه) از دیدگاه قرآن است و این که آیا احکام و رفتارهای فقهی تأثیری در تزکیه و تربیت انسان دارد؟ و نسبت تزکیه اخلاقی و احکام فقهی چیست؟

## ۱-۲. سوالات تحقیق

- بنا بر این در اینجا این سوال اصلی مطرح می شود که: رابطه فقه و اخلاق از دیدگاه قرآن چیست؟ بین احکام (فقهی و اخلاقی) چه رابطه ای هست؟
- در راستای این مسئله، سوالات فرعی دیگر مطرح می شود
۱. چهارچوب نظری و دیدگاهها در مورد رابطه فقه و اخلاق چیست؟
  ۲. رابطه عبادات و اخلاق چیست؟
  ۳. رابطه معاملات و اخلاق چیست؟
  ۴. رابطه اجتماعیات و اخلاق چیست؟
  ۵. رابطه حکومتی و اخلاق چیست؟

## ۳-۱. تبیین قلمرو بحث

منظور این رساله بررسی رابطه احکام فقهی و اخلاقی است بنابراین رابطه دانش فقه با دانش

اخلاق که در بین اندیشمندان مطرح شده<sup>۱</sup> مورد نظر این رساله نیست

با توجه به سؤال اصلی پژوهش، قلمرو این پژوهش، درون دینی و بربم‌محور قرآن است که خاستگاه و مرجع فقه و اخلاق را وحی الهی می‌داند و با در نظر گرفتن گستردگی شاخه‌های فقه و نظام‌های اخلاقی، آنچه در این پژوهش محور قرار گرفته، فقه اهل بیت (ع) و نظام اخلاقی اسلام است؛ و دیدگاه‌های اخلاقی برون دینی مورد نظر نیست اگر کسی قائل به جدایی و تمایز کامل اخلاق از دین باشد یا این که اصلاً برای اخلاق مبنای دینی و امکان ورود به عرصه دین را قائل نباشد به نظر می‌رسد که دیگر چنین بحثی برای او محل طرح ندارد.

قلمرو این پژوهش همه احکام فقهی و اخلاقی است ولی مسئله تأثیر اخلاق در فقه و افتاء و این که مجتهد در هنگام فتوا دادن چه نکات اخلاقی را باید در نظر داشته باشد و یا تأثیر احکام اخلاقی در فتوای مجتهد چه مقداری تواند باشد آیا ممکن است مفتی با توجه به یک حکم اخلاقی در فتوای فقهی خود تجدیدنظر کند این سؤالات نیز نیاز به رساله مستقل دیگری دارد و در این رساله منظور نیست

و همچنین بررسی راه‌های رفع تعارض ابتدائی بین فقه و اخلاق و بین فتاوی فقهی و اخلاقی بحث گسترده‌ای است که در این رساله مجال پرداختن به آن نیست و باید رساله مستقلی به آن پردازد

## ۱-۴. پیشینه

پیشینه بحث رابطه اخلاق و فقه به دوران پیامبر اکرم (ص) و نزول آیات قرآن بازمی‌گردد. ذکر ویژگی‌های اخلاقی در کنار آیات الاحکام بیانگر رابطه بین این دو است. لکن به نظر می‌رسد در گذشته دانشوران مسلمان به تعامل و ارتباط میان علوم اسلامی توجه چندانی نکرده اند و جای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای خالی مانده است. هر چند برخی از فقیهان در لابه‌لای مباحث فقهی پاره‌ای از مباحث اخلاقی را طرح کرده‌اند و برخی هم به صورت موردی و گذرا به این مبحث پرداخته‌اند، ولی تا آنجا که واکاوی شده، تحقیق جامع و مستقلی در زمینه رابطه و تعامل

۱. <http://tohid.ir/fa/persian/articleView?articleId=4438> (پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله سبحانی)



فقه و اخلاق از دیدگاه قرآن صورت نگرفته است و این بحث پیشینه چندانی ندارد. بیشتر در دوران معاصر و در برخی نوشته‌ها از آن بحث شده است. مع الوصف کتاب‌ها و مقالاتی نوشته شده که با این عنوان نزدیک است که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود

اول: غزالی در آغاز کتاب «احیاءالعلوم» به این موضوع اشاره‌ای دارد و فقه را جزو علوم دنیایی می‌شمارد و بر این باور است که نزدیک‌ترین و مقدم‌ترین اعمال آخرت که فقیه از آن‌ها سخن می‌گوید سه چیز است: اسلام، نماز و حلال و حرام و هدف و نظر فقیه از مرز دنیا تجاوز نمی‌کند و به آخرت نمی‌رسد و چون این معنا در امور سه‌گانه مذکور معلوم شود، در غیر آن‌ها روشن‌تر خواهد بود... اما در آخرت گفتار تنها نورانیت دل و اخلاق آن می‌تواند سودمند باشد و این کار فقیه نیست و اگر او در این راه تلاش و سعی کند مانند این است که در کلام و طب که فن او نیست به کوشش و پژوهش پردازد... بنابراین تمام نظرات فقیه به دنیا که صلاح راه آخرت بسته به آن است مربوط می‌شود و اگر احیاناً درباره صفات قلب و احکام آخرت سخن گوید به‌طور طفیلی بحث می‌کند، چنان‌که گاهی مطالبی از طب، حساب، نجوم و کلام نیز در سخنان او یافت می‌گردد،<sup>۱</sup>

فیض کاشانی (ره) ضمن نقد کلام اومی فرماید:

"... دانش فقه در کنار علم راه آخرت قرار دارد، چه فقه ناظر بر اعمال جوارح است و

منشاء اعمال اعضا و جوارح صفات دل است اعمال شایسته از صفات پسندیده که در

آخرت نجات‌بخش است ناشی می‌شود و اعمال نکوهیده نیز از صفات زشت و ناپسند

سرچشمه می‌گیرد و ارتباط اعضا و جوارح با دل بر کسی پوشیده نیست..."

نامبرده سپس معنای فقه را توضیح می‌دهد که غیر از آن چیزی است که غزالی گمان کرده چه

فقه دانشی شریف، الهی، نبوی است تا بندگان به وسیله آن به سوی خداوند عزّ و جلّ کشانیده

شوند. به سبب همین دانش است که بنده می‌تواند به همه مقامات والا دست یابد. زیرا تحصیل

اخلاق پسندیده تنها زمانی میسر است که اعمال جوارح بر طبق دستورهای شرع و به دور از هر

گونه بدعتی صورت گیرد و دست یافتن بر علوم مکاشفه جز با تهذیب اخلاق و روشن کردن دل

به نور شرع و پرتو عقل ممکن نیست و این امر نیز تنها در سایه علم به طاعاتی که از منبع وحی

۱. غزالی، احیاء علوم الدین، ص ۲۰

اخذ شده و مایه تقرّب به درگاه خداوند متعال می‌باشد امکان‌پذیر است تا بنده طاعات و فرمانهای الهی را به همان صورتی که دستور داده شده است به انجام رساند و نیز منوط به این است که بنده به گناهی که انسان را از رحمت خدا دور می‌گرداند دانا باشد تا از ارتکاب آن‌ها اجتناب ورزد؛ و تنها علم فقه است که عهده‌دار این دو دانش است، از این رو فقه مقدم‌ترین و مهم‌ترین دانشها به شمار می‌آید.<sup>۱</sup>

نظرنگارنده: آنچه گفته شد مربوط به دانش فقه و اخلاق بود و بحث قرآنی هم نشده است و در باره تاثیر احکام در اخلاق که مورد نظر این پژوهش است بحث مستوفی نیست.

دوم: کتاب فقه الاخلاق، شهید سید محمد صدر، تحقیق: شیخ کاظم عبادی ناصری، هیئه تراث السید الشهدید الصدر ۱۴۳۰ ق

کتاب با این پرسش شروع شده آیا میان علم فقه و اخلاق رابطه‌ای وجود دارد، یا این دو همانند دو رشته علمی یا دو حوزه از حوزه‌های اجتماعی نامرتب با یکدیگرند و هیچ رابطه‌ای میان آن دو وجود ندارد؟<sup>۲</sup> و در پاسخ، دو دیدگاه مطرح شده است: دیدگاهی که فقه را بی ارتباط با اخلاق و دیدگاهی که فقه را مرتبط با اخلاق می‌داند.

نویسنده دلیل جدایی علم فقه و اخلاق را از جنبه نظری اختلاف موضوع و روش این دو علم می‌داند. علم فقه علم قانون است ولی علم اخلاق علم سلوک و رفتار است و برای تشخیص سلوک و رفتار شایسته از رفتار ناشایست وضع شده است. هر یک از این دو علم روش خاصی در کیفیت بحث، استدلال و استنتاج و سایر جنبه‌ها دارند.

سپس درباره تفاوت این دو علم از بعد عملی شواهد و قراینی را ارائه می‌دهد: و به نقد آن‌ها می‌پردازد؛ و در ادامه می‌کوشد رابطه میان فقه و اخلاق را به صورت‌های زیر تقریر نماید

یکم. هدف تعالیم فقهی استقرار عدالت الهی در وجود فرد و جامعه است و ادراک حسن عدل و قبح ظلم از مطالب اساسی علم اخلاق است. بنابراین، احکام فقهی مصادیق عدالتی است که در اخلاق مطرح می‌شود و با این بیان آن مدعا که اخلاق در بردارنده تمام فقه است، ثابت میشود.

۱. محسن فیض کاشانی، المحججه البیضا، ج ۱ ص ۵۵

۲. سید محمد صدر، فقه الاخلاق، ص ۵.

دوم. واجبات و محرمات که تکالیف عموم مردم است، سطح پایین تربیت و مستحبات و مکروهات سطح عالی تربیت را بیان می‌کند که همان تربیت عمیق اخلاقی است. بنابراین، مستحبات و مکروهات که در اکثر مباحث فقهی پراکنده است، همان آموزش‌های اخلاقی است. پس ثابت می‌شود که اکثر احکام فقهی اخلاقی است.

سوم. مرتبه عالی اخلاق به گذراندن مراتب پایین تر وابسته است. بنابراین مرتبه پایین تر به منزله مقدمه بالاتر به حساب می‌آید.

فقه برای رسیدن به مرتبه عالی اخلاقی و به منزله مقدمه است. بنابراین ارتباط فقه و اخلاق را از نوع ارتباط مقدمه و ذی المقدمه می‌توان دانست.

نامبرده در ادامه رابطه فقه و اخلاق را در سه سطح، سزاوار بررسی می‌داند:

یکم. سطح الزامی: واجبات و محرمات فقهی

دوم: سطح غیرالزامی: مستحبات و مکروهات که به منزله اولین مرحله سلوک عالی اخلاقی است؛

سوم. سطح تعالیم اخلاقی عمیق یعنی آموزش‌هایی که برای مرحله عالی سلوک اخلاقی لازم است.

وی می‌افزاید: این کتاب از سطح دوم یعنی مستحبات و مکروهات بحث کرده است.<sup>۱</sup>

نظر این حقیر: نویسنده به رابطه فقه با دیگر علوم و دانش‌ها در این کتاب و بیش از آن<sup>۲</sup> در کتاب «ماوراء الفقه»<sup>۳</sup> پرداخته است، و این توجه به بحث رابطه فقه و اخلاق شایسته ستایش است.<sup>۴</sup> ولی به تکمیل و توسعه بیشتری نیاز دارد.<sup>۱</sup>

۱. رک. سید محمد صدر، فقه الاخلاق، ص ۷ - ۸

۲. تاریخ اتمام این کتاب ۱۴۱۷ هـ ق (رک: ص ۳۲۹) و تاریخ اتمام کتاب ماوراء الفقه را ۱۴۰۹ هـ ق (ماوراء الفقه، ج ۱، ص ۹) ثبت شده است.

۳. برای معرفی و نقد کتاب ماوراء الفقه. رک: آینه پژوهش، ش ۱۰۷ - ۱۰۸، ص ۷۳ - ۷۶

۴. در پرسش اصلی از فقه و اخلاق به منزله دو رشته علمی سخن می‌گوید (همان، ص ۵) نویسنده، هنگامی که ابعاد و سطوح رابطه فقه و اخلاق را مطرح می‌کند و در سطح اول از رابطه آن دو به منزله دو رشته علمی سخن می‌گوید و نیز هنگامی که هدف علم فقه را عدالت و عدالت را از مسائل اصلی علم اخلاق می‌شمرد. همان، ص و در پرسش اصلی از فقه و اخلاق به

سوم: کتاب: تاثیر اخلاق در اجتهاد؛ گفت و گو با جمعی از اساتید؛ نویسنده ضیائی فر، سعید، ۱۳۸۴- نشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی پژوهشکده فقه و حقوق ۱۳۸۸...  
این نوشتار تلاش می کند با بهره جویی از دیدگاه صاحب نظران و طرح پرسش هایی، به مناسبات میان فقه و اخلاق پردازد و با تصویری که از اصطلاح فقه و اخلاق در منظرهای مختلف ارائه می کند، محل بحث را مشخص سازد و ضمن ارائه مبانی و گونه های تاثیرگذاری، به صورت مصداقی، نمونه های مورد بحث در نسبت میان اخلاق و فقه و تعامل آن را بررسی و واکاوی کند.

فصل اول: کلیات، فصل دوم: مبانی بحث ،

فصل سوم: گونه های تاثیرگذاری: (الف) تاثیرگذاری معرفت شناختی (ب) تاثیر روان

شناختی

فصل چهارم: نمونه های چالش برانگیز رابطه فقه و اخلاق

فصل پنجم: دیدگاه ها در حل موارد تعارض های فقه و اخلاق

به نظراین حقیر: این پژوهش به صورت علمی آغاز شده و در زمینه طرح مسئله و جمع بندی نظریات سرآغازی برای پژوهش مفید است لکن در صدد نتیجه گیری نهائی نبوده است. عمده مطالب پیرامون علم فقه و علم اخلاق است در صورتی که مسئله ما خاص احکام فقهی و اخلاق است

چهارم: مقاله: گونه های تأثیر اخلاق در فقه و اجتهاد؛ نویسنده: سعید ضیائی فر، منبع: کتاب

فقه ش ۶۴

در این مقاله تلاش شده است تا صورت های مختلف نقش علم اخلاق، آموزه های اخلاقی، خصلت های اخلاقی در فقه، اجتهاد و افتا، در نگاهی اجمالی بررسی و پیامدها و تأثیرهای احتمالی آن به صورت مستند نشان داده شود. این مقاله در صدد است تا کیفیت و شیوه های تأثیر اخلاق و آموزه های اخلاقی را در مراحل اجتهاد و ابعاد مختلف علم فقه و افتا نشان دهد.

منزله دو نهاد از نهادهای زندگی انسان سخن می گوید. همچنین در بحث سطوح رابطه فقه اخلاق در سطح دوم و سوم

اخلاق و فقه را به منزله دو نهاد زندگی انسان بررسی می کند (همان، ص ۵ - ۸)

۱. ر.ک. سعید ضیائی فر؛ مجله فقه - ش ۵۷، اهداف علم فقه: دنیوی و اخروی بودن علم فقه ص ۳۵